

آزادی ملت در شرق دور خبری هست

دو قدرت بزرگ کمونیزم به سیزی با یکدیگر کمر
بسته اند و کاپیتالیزم به داوری نشسته است.

در صفحه سوم

ارگان حزب ملت ایران

سال یکم شماره ۱۶ سه شنبه بیست و چهارم تیر ماه ۱۳۵۹ بها ۱۵ ریال

مسجد یا سنگر خونین انقلاب
ماه رمضان را به ما تزکیه نفس و
خودسازی بدل کنیم

مهمترین نهادی که در اسلام از
لهاز اجتماعی و آموزشی و سیاسی
نقش بنیادی و سازنده داشته و از زمان
رسول خدا (ص) تاکنون در تمام نظام

بقیه در صفحه ششم

حضرور و حائیت در صحنه های سیاسی زندگی

مغلان و ایلخانان نه تنها دور از
فرهنگ ایرانی و بنیادهای
اسلامی نبود بلکه در این راه
ممارست و تداوم آن سان نشان
داده شد که قوهای مهاجم پس
از چند دهه، خود در زمرة
بقیه در صفحه پنجم

حضرور و حائیت در صحنه های سیاسی زندگی ملی ایرانیان

ایرانیان با همه وجود اسلام را پذیرفتند و ایرانیت
و اسلامیت از یکدیگر جدا نخواهد شد.

باید ریشه های امید دشمن را خشک کرد

سرکوب شدن توطئه نباید دست
اندر کاران حکومت را دچار غرور
سازد.

یکبار دیگر بیگانگان، برای برهم زدن نظام
جمهوری اسلامی ایران دست آلوده خود را به هوا
بردند، دست آنان در هوا خشکید و مجله هیج تلاش و
تکاپوئی نیافتند.

دشمن بدستگال نزار تراز بیش بر جافرو ماند و
ملت ما از ورطه ای خطرناک رهائی یافت.
توطئه ای که سرکوب شد، نخستین توطئه دشمن
نبوت و بی هیج گفتگو، واپسین آنها هم نخواهد بود.
دشمن به تلاش های دیگر برخواهد خاست و هر
تلاش که شکست بخورد، تلاش تازه ای به دنبیل خواهد
داشت و ما هم باید آماده باشیم تا هر تلاش دشمن را
با هشیاری و قدرت بی اثر سازیم.

بی اثر ساختن تلاش های دشمن، تنها در مبارزه
نظامی به بار نمی آید، باید همه زمینه های را که دشمن
در بسیج نیرو از آنها سود می برد، یکسره از میان
برداشت.

در هم شکستن تلاش های دشمن، فقط در رویارویی
با او حاصل نمی آید، باید ریشه های امید دشمن را
خشک کرد تا از بی گیری توطئه های ضد ایرانی خود
دست بردارد. تلاش دشمنان انقلاب اسلامی ملت
ایران هر اندازه ناجیز و بی شمر باشد، وقت گیر و
آزاردهنده است نیروی سازنده مردم را که باید به
آبادسازی میهن صرف شود، تحلیل می برد.

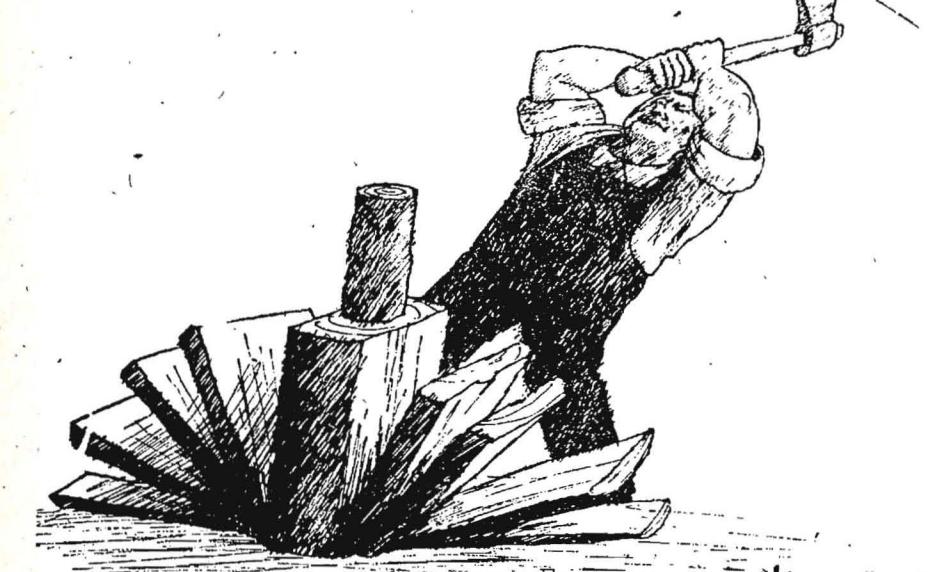
برای آنکه یکبار و برای همیشه براین ماجراها نقطه
پایان گذارد شود باید در پی سرکوب کردن دشمن،
زمینه های امید وی هم از میان برداشته شود.

زمینه های امید دشمن، در پراکندگی نیروها و در
ناخرسندی هایی است که این سو و آن سو پیدیدار
می شود. زمینه های امید دشمن در ناکارآئی اداری، و
در آشفتگی های اقتصادی ما است.

در پی سرکوبی دشمن، نباید آسوده بنشینیم، باید
به یک بروزی دقیق و کامل ملی بپردازیم و باید
کارنامه هفده ماهه دوران سازنده ای انقلاب را مرور
کنیم تا روشن شود که کجا و چگونه زمینه امید برای
دشمن بیدید آورده ایم.

در فردای پیروزی انقلاب، دشمن هر امید خود را از
کف داده بود و یکبار جگی نیروهای انقلاب، قدرت هر
حرکت را در ذهن وی فرو می کشت ولی با پدید آمدن
پراکندگی در نیروهای انقلابی و با پدید آمدن
ناسامانی های اداری و اقتصادی، دشمن از پا افتاده
تجدد رویه کرد و امید در ذهنش پیدار شد.

همه کسانی که در دام دشمن فرو افتادند و به یاری
وی شناختند، از واستان «نظام سلطنتی» واژگون
شده نیستند، بسیاری از ایشان بعد از همه پاک
ارتش جمهوری اسلامی ایران شناخته شدند. اکنون
بکار آمدند، ولی نداشتن برنامه دوم



دست مریزاد

در راهی مرکزهای آموزش عالی را باز کنید.

جوانان را در آبها و بیم از آینده
قرار ندهید.

انبوه عظیم جوانان ما
بی تکلیف مانده اند. ایستان از
جهانگردی هایی که به جامی مانند چه
شمار دانشجو خواهند پذیرفت.

ناتوان اند. آینده چون گردید
برآبها و مهیب بر روح و اعصاب
تنتیم هر برنامه برای آینده خود
ترکان مهاجم آسیای مرکزی و

نیازهای اجتماعی با خشونت برآورده نمیشود

مشکل بیکاری و مسئله دکه داران

نارسائی های فراوانی روبرو کرد
و سبب تعطیل و کم کاری این
بخش از اقتصاد کشور شده است.
از طرفی دیگر نداشتن سیاست
علتی ای روبرو شود، دشواری
تکمیلی ای روبرو شود، دشواری

صحیح اقتصادی و تولیدی سبب
شد که پس از یکسال و نیم که از
نداشتن میگذرد صنعت
جوان کشور باناکامی های
فرآونی روبرو شود، دشواری

بازار گانی خارجی باید به سرعت ملی شود.

اثرهای شوم «سیاست در واژه های باز»

کمیته هماهنگی شوراهای
اسلامی کارخانجات نساجی
(ریسندگی) طی نامه
سرگشادهای به وزارت بازرگانی
از فاجعه ورود نخ و لطمehای که
به اختلال بر صنعت ریسندگی
ایران وارد می آورد سخن گفته
است.

باقیه در صفحه هفتم
با احساس کمترین نیاز،
بازار داخلی را به روی
کالاهای خارجی نگشائید.

قدام افق انتقام از اقتدار است

در می باشد و کار سازنده و شرکت را از وسیله های سرگرم کردن به درستی تشخیص می دهدند، اگر در مقام بازی کردن با آنان برآئیم آنان را آزرده خاطر می سازیم و به حق و به درستی ایشان را به ستیزه با مجموع شرایط حاکم می رانیم.

جوانان از اینکه سربار خانواده یا میهن خود باشند رنج می بینند و می خواهند، برای خانواده وبا میهن خود باور و فرزندی ثمر بخش باشند.

جوانان می خواهند، و به حق هم می خواهند، که در جامعه از احترام و تشخیص کافی بهره مند باشند و بدستی می دانند که بهره مند بودن از احترام و تشخیص کافی مستلزم آن است که آموزشی خلاق و سازنده دریابند و کاری ثمر بخش و پر حاصل انجام دهند.

فراهم آوردن وسیله های آموزش سازنده و کار پر حاصل در اختیار خانواده ها نیست، این وسیله ها فقط و فقط در اختیار حکومت است و کار بدستان کشور می باید با سرعت برای همه جوانان آموزش و کار تدارک ببینند، آموزش و کاری پر ثمر و سازنده.

مسئله جوانان ما، به جوانانی که بدبندی کار و آموزش بیشتر می گرددند، محدود نمی شود، بخش بزرگی از نیروی جوان ما که به تحصیل و کار اشتغال دارد

اینک حکومت ایران در برای
پیجیده‌ترین مسئله جوانان قرار
گرفته، و همه جوانان، چه آنها که
در دوره‌های آموزش عالی
تحصیل میکنند، و چه آنها که
تحصیل را ها کرده و در
جستجوی کار برآمدند، از
آنند و سرنوشت خود در ابهام و
بیامند. از میان برداشتن این بیم
و ابهام در گرو آن است که برای
همه جوانان کشور، آموزش
درست و شمریخش ترتیب داده
شود. چه آنان که به کار
پرداختند و چه آنان که هنوز به
کاری دست نیاز نداشتمند، باید
همگی از آموزش‌های خلاق و
کارساز بهره‌مند گردند. باید همه
توانائی‌های جسمی و فکری
جوانان را بکار گرفت، چه در یاد
گرفتن و چه در ساختن سرزمین
سوخته ایران، این یکی از
اصلی‌ترین وظیفه‌های حکومت
نیز بطور کامل و بقین در متن
مسئله جوانان قرار دارد.
ما بخش بزرگی از جوانان
خود را، در رشته‌های تحصیلی،
کم حاصل یا شاید هم بی حاصل،
سرگرم کرده‌ایم، جوانان ما چه
در سالهای آخر دبیرستان، و چه
در بسیاری از دانشکده‌ها و
مدرسه‌های عالی به هنگام
آموزش، از خود می‌پرسند، آن
چیزها که می‌آموزند آیا درست
است، آیا در زندگی آینده به
کارشان می‌آید، و برای این
پرسش‌ها هیچ پاسخی نمی‌یابند،
واز سرناگزبری به هر صورت که
باشد، دوره دبیرستان و دانشکده
را به پایان می‌رسانند و بسیارند
کسانی که به لحاظ تردید در
آموزش‌هایی که می‌گیرند، همه
وجود و همه توانائی فکری خود را
در راه آمودختن بکار نمی‌گیرند
واز هر صرفت برای ابراز عدم
رضایت خود سود می‌جوینند.

است و می باید با سرعت در اجرای آن گام برداشت.
در حل مسئله‌های چنین بزرگ و اساسی، شیوه‌های کهنه و فرسوده‌ای مانند تجدیدنظر در مقررات کنکور، یا دوباره نویسی برنامه‌های درسی فلاں دانشکده، بکار نمی آید.

پدید آمدن بی آرامی دائم در دوره‌های آموزشی، و به ویژه آموزش عالی، تا ابدازه زیادی از این سرچشمۀ آب می خورد. جوانان ما، چیزهایی یاد میگیرند که از درست و کارآمد بودن آنها، اطمینان ندارند. و این بی اطمینانی می تواند سرچشمۀ

هر تشنچ قرار گیرد.
از سوی دیگر بخش بزرگی از
جوانان ما، دوره‌های دبیرستان یا
آموزش عالی را به پایان رسانیده
ودر سازمانها و مؤسسه‌های
گوناگون، ویژت دولتی، بکار
پرداخته‌اند با دشواری بسیار
جانبداری روپرتو هستند، بیشتر
این جوانان در محل کار حاضر
می‌شوند ولی کاری برای انجام
دادن ندارند، ویا اگر کاری هم
انجام می‌دهند، کاری است که
در بازسازی کشور سهمی و اثری

برابر ما است و به روشنی نشان
میدهد که با پیشرفت‌های فنی و
اقتصادی، درکشاورزی به نیروی
کار کمتری نیاز می‌افتد و
بیشترین نسبت قابل قبول
جمعیت کشاورزی نمی‌تواند از
بیست و پنج درصد کل جمعیت
کشور فراتر رود.

باتوجه به اینکه در حال حاضر
بیش از نیمی از جمعیت کشور در
روستاها به سر میزند و باتوجه
اینکه، روستا خود هر ساله بطور
طبیعی افزایش جمعیتی دارد،
فرستادن انبوه عظیم جوانان به
روستا، به هیچ روی نخواهد
توانست راه حلی برای مسئله
جوانان باشد.

گفتگوی، دیگری، که در حیان

بوده و هست، ایجاد صنایع روستائی و بازسازی روستاهای فرستادن جوانان به روستا برای اجرای این وظیفه‌ها است. گواینده تاکنون طرح روشن و گویایی در این زمینه تنظیم و ارائه نشده است ولی به گونه‌ای اجمالی میتوان گفت، تا زمانی که زیرسازی وسیع اقتصادی صورت نگرفته است و تا زمانی که صنایع کلید استوار نشده است، رواج پخشیدن به صنایع روستائی به شکلی تولید کننده و ثمر بخش میسر نیست و نگاه داشتن جوانان به انتظار اینکه در روستاهای صنایع کوچک ایجاد خواهد شد و ایشان بدان کار خواهند پرداخت فقط برای مدت بسیار کوتاهی ممکن

است و پس از این مدت دیگر
نمی توان جوانان را به انتظاری
چنان نگذاشت.
باید مسئله را به شکلی روشن
 بشناسیم و با آن به شکلی واقع
 بینانه برخورد کنیم. مسئله این
 است که هرسال شماری حدود
 چهار صدتاً پانصد هزار نفر از
 جوانان میهن ما که سیصد هزار
 نفر آنان دوره دبیرستان را به
 پایان رسانیده‌اند، و بقیه نیز
 سالهای را به تحصیل
 گذرانیده‌اند، در شهرها به
 جستجوی آینده و سرنوشت خود
 بر می‌خیزند و این شمار بزرگ
 در چند شهر گرد می‌آیند و
 گروههای کوچکی از آنان نیز در
 شهرهای کوچکتر در تکابوی
 زندگی گام می‌زنند.
 این جوانان چه می‌خواهند، و چه
 می‌گویند و با آنان چه باید کرد.
 سوالهای اصلی مسئله جوانان
 است.

این جوانان، مانند همه جوانان تاریخ، پر از جوش و غروراند. این جوانان از نیروهای جسمی و فکری سرشار بهره دارند. باید به جوش و غرور آنان پاسخ داد و باید برای بکار گرفتن نیروهای فکری و جسمی آنان راهی اندیشید. این جوانان اصلی ترین نیروی سازنده حیات اجتماعی هستند، اگر نیروی این جوانان را به هدر بدهیم، بدرسی، اصلی ترین ابزار سازنده میهین خود را از دست دادهایم.

جوانان ما، مانند همه جوانان می خواهند که از زندگی پر تلاش و شرافتمندانه‌ای برخوردار باشند.

فرام آوردن موجباتی برای سوگی کوئن آنان، ضربه زدن بر شور و خود را به است.

این مجهود را به درستی

نان در حال بی تکلیفی به سر
می برند.
در مسال گذشته شمار
داوطلبان تحصیلات عالی از
پانصد هزار نفر بیشتر بود، امسال
بر اساس رقامهای در دسترس این
شمار به هفتصد هزار نفر نزدیک
خواهد شد، از این گروه، شمار
بیسیار تاچیزی به تحصیلات عالی
راه خواهند یافت، که بگتوانند
ده درصد آنان کمتر است و این بود
عظمیم جوانان ما، در پشت درهای
بسته دانشگاهها و مدرسه‌های
عالی با قلبی شکسته از حسرت
اموزش بیشتر به جا خواهد ماند.
مسئله جوانان از اینجا آغاز
می شود، از اینجا که شماری سیش
هزار دانشجوی ایرانی در

علای قدرت جسمانی و با آمادگی فراوان برای فرگیری بی هیچ تکلیف بر جا میمانند. مسئله، تنها ناشی از تاریخ کنکور یا برنامههای آموزشی در دوره تحصیلات نیست دشواری مسئله، عبارت از خیات آینده صدھاھزار نفر جوان است که از آموزش عالی محروم میمانند. ولی دشواری گستردگی و عمق مسئله جوانان ما بازهم در این اندازه محدود نمیماند.

شمار بزرگی از نوجوانان میمیهن ما، به سالهای بالای دی پیرستان نیز راه نمییابند و در سالهای نخستین دبیرستان با لحاظ گرفتاریهای گوناگون

تحصیل را رها می کنند و
جستجوی کار می پردازند، بیشتر
نو چو انان روستائی، از
ناغزیری از همان سالهای
نوجوانی، از تحصیل
بازمی ایستند و به کار کردن
می بردازند. اگر شمار هم
کسانی را که در سن های وارد
شدن به دانشگاهها می باشند با
حساب آوریم، جمعیت این شمار
بی گفتنگو از یک میلیون و دویست
هزار نفر افزون است.
این شمار بزرگ چو انان، ا
سر ناگیری به چند شهر بزرگ
و بیشتر به تهران رو می آورند
بدان امید که در این شهره
بتوانند زندگی آینده خود را با
تلash پسی ریزی کنند و
موهبتها و امکان های شهر بهر
بر گیرند.
تلash برای برگردانیدن ایر
عده به روستاهای به هیچ روی
نمودمند نمی باشد، نه آ

جهت که در روستا وسیله و زمین
گردش و تفریح وجود ندارد
خیز، بلکه از آن جهت که د
روستا زمینه تلاش و پیشرفت
برای ایشان بیست.
اگر بتوانیم با صدها طرح
تلاش، گزوه‌ی از اینان را بـ
روستا بفرستیم، مدت ماندگاری
آنان در روستا زیاد نخواهد بود
به سرعت بی حاصل بودن تلاش
خود را در روستا در می‌یابند و
شهر بازمی‌گردند و تصور اینکـ
بتوانیم گروه بزرگی از آنان را بـ
کار ثمری خش در روستا بگماریـ

جوانش یکی از سهمگین‌ترین دشواری‌ها است، رفع آین دشواری از همه دشواری‌های دیگر سخت‌تر است. و پیوسته هم برعمق و گستردگی این دشواری افزوده می‌شود.

در جامعه‌ای پیش از صنعت، شهرها کم جمعیت و اندک اند، بیشتر جمیعت در روستاهای پراکنده و دور از یکدیگر به سرمی برد. و فرزندان خانواده که به سن جوانی می‌رسند، در حمایت خانواده، و به رهنمائی خانواده، به حرفاها اشتغال می‌یابند و به طور عادی، حرفاها که جوانها پیش می‌گیرند، همان حرفة خانواده است.

چنان روتاستای د. کا

بجهت روزگاری را
کشاورزی خانواده رایاری
می دهند و سپس درسن بالاتر
همه مسئولیت کار و حرفه
خانواده را بر عهده می گیرند.
با پیشرفت صنعت، بر شمار
شهرها افزوده می شود، و جمعیت
شهرها زیادتر می گردد و
مهاجرت از روستا به شهر نیز
فرزونی می پیدا، و آنان که از روستا
به شهر می آیند، بیشتر گروههای
جوان هستند.
به لحاظ رسیدن ابزارهای
فنی و ماشینی به روستا، نیروی
جسمانی چندان مورد نیاز نیست
و جوانان روستا که کار ثمر بخشی
برای خود درزادگاه اهشان
نمی بینند، روانه شهرها
می شوند، تا در آنجا توانائی های

خود را بی‌ازمایند و راهی
برزندگی خویش بگشایند.
از اینرو شمار جوانان در شهرها
بسیار می‌شود و دشواری‌ها از
رهگذر تراکم بسیار نیروی جوان
در شهرها پدید می‌آید.
در میهن ما، دشواری از همه
اینها فروتنر است، زیرا سرعت
رشد جمعیت بسیار است میهن
ما یکی از بالاترین نرخ‌های
افزایش جمعیت را در جهان دارد
که حدود سه درصد باشد یعنی
به طور متوسط سالانه نزدیک به
یک میلیون و سیصد هزار نفر
بر جمعیت کشور افزوده می‌شود.
به هنگام انقلاب مشروطیت،
جمعیت میهن مابی گفتگو از هشت
میلیون نفر کمتر بود و اینکه
بی‌تر دید از سی و شش میلیون
نفر متجاوز است. جمعیت میهن
ماهربیست و شش سال به تقریب
دوازده میشود، معنای این سخن
این است که ماباینوه عظمی.

از جوانان روبرو هستیم و اگر
کسانی را که درسالهای کودکی و
نوجوانی یا کمال جسمانی و
کهنسالی هستند از شمار جمعیت
کشور کسر کنیم، جمعیت باقی
مانده، یعنی جوانان نزدیک به
پانزده درصد جمعیت کشور
راتشکیل می‌دهند، و این
کمترین شمار برآورد ممکن
است.

بی‌هیچ تردید شمار جوانان ما
در فاصله سنی هجده تا
بیست و پنجم سال از پنج میلیون نفر
کمتر نیست و این شمار در هر
سال افزونتر می‌شود.

شماری از این گروه در
سالهای آخر دبیرستان، یا
دانشکده^۱ و مدرسه‌های عالی
تحصیل می‌کنند. و گروهی دیگر
نیز به حرفه‌های گوناگون
پرداخته‌اند، اما شمار بزرگی از

درهای مرکزهای

دانشجویانی که هم‌اکنون در
دانشگاهها و مدرسه‌های عالی
سرگرم تحصیل هستند نیز
نمی‌دانند چه برسنوشت آنان
خواهد رفت، و چه هنگام
دانشکده یا مدرسه عالی آنان
دوباره باز خواهد شد، و در
برنامه درسی ایشان چه
دگرگونی‌ها خواهد رفت.

دانشجویانی که در دوره‌ها و
یا سال آخر رشته خود هستند،
بیش از دیگران نگران‌اند، ایشان
هم نسبت به پایان دادن تحصیل
خود نگران‌اند و هم نسبت به
کارهایی که پس از آن می‌توانند

بدست اورند.
همه جوانها، هر کدام به
گونهای و بنا بدلیل هائی نسبت به
اینده خود احساس میم و نگرانی
دارند. و این نگرانی، توانایی‌های
ذهنی و فکری ایشان را تحلیل
می‌برد. بسیاری از ایشان هیچ
تصور روشنی یا نیمه روشنی از
اینده خود ندارند، و نمی‌دانند
چه بکنند. خانواده‌های این
جوانان نیز در برابر ابهام
ستگینی که برای اینده جوانان بار
شده نیز سرگردانند. آنها هم از
هر راهنمایی و چارچوبی دز کار
فروزان خود عاجز‌اند.

این بی تکلیفی وابه
پیامدهای در دنک خواهد
داشت. گروههای گوناگونی که
در کمین جوانان نشسته‌اند از
این ابهام بهره‌برداری بسیار
خواهند کرد و با طرح کردن
نقشی از آینده نامعین و با وعده
دادن برنامه‌های چشمگیر
تصوری، جوانان ما را به بی‌راهمهای

می کشانند.
جوانان در همه دورانها
و جامعه ها از توجه خاصی
برخوردار بوده اند، اینان از نظر
قواعد رشد ذهنی و جسمی
و اجتماعی در وضعی قرار دارند
که می باید از کمک و راهنمایی
عمومی و نیزروی اداره کننده
جامعه برخوردار شوند.

جوانی، دوره خاصی از زندگی است، در این دوران، توانایی‌های جسمانی در حد بالا است و قدرت تختا، سیا.

می‌باید سالهای پنسیار
بر جوانان بگذرد، تا واقعیتهای
حیات، قدرت تخیل ایشان را
محدود کند، و پیکرهای ذهنی

تحلیل جای خود را به برداشتهای
واقع گرایانه بسپارد.
جوانی در همه دورانها مسئله

بوده است، و هر جامعه که نتواند
این مسئله را با
دقت و درستی حل کند، به
گرفتاری‌های فراوان و تشنج‌های
بسیار دچار خواهد شد، مسئله
جوانان می‌باشد درسیاست‌های
کلی و عمومی حکومت جای

مخصوصی و بسیار والا یی را
احراز کند.
هر اندازه جامعه رو به پیشرفت
نهاد، مسئله جوانان پیچیده‌تر و
گستردگه‌تر می‌شود. این مسئله
می‌باید به طور پیوسته و همیشه
درستور کار حکومت قرار داشته
باشد. غفلت ارگانهای کشوری
از رسیدگی به آن سرچشمته
آشتفتگیها خواهد بود.
برای ما، برای ملت ما، مسئله

حضور و حایت در صحنه‌های سیاسی زندگی ملی ایرانیان

«ایران خراب خانه ماست و این هامون پرخون آشیانه ما و این وطن عزیز مادر ماست که اجانب دست به تعریض بدامن عصمتیش دراز کرد هاند و این مدفن آباء و اجدادی ماست که میخواهند بdest قوم بی‌تمیز بیفتد.»

پرخون شیخ محمد خیابانی نیز یکی دیگر از روحانیون باند مرتبه‌ای است که منشور «شهادت» خود را در دوستی وطن و ملت رقم زده است میگوید:

«ما میگوئیم مشروطیت حقیقی در مملکت حکمرانی کند، نفوذ‌های شخصی و امتیازات ملی و منسخ گردد، حاکمیت ملت واقعیت داشته باشد.»

«- حاکمیت با ملت است نه در دست اشخاص ترسو و جبون که مملکت را بفروشند.»

«- کر مسلک، ما ایران مال ایرانیان است.»

- ما مکرر دیده‌ایم که آزادی را در این مملکت بدست اجانب بر هم زده‌اند، ایران را ایرانی باید آزاد کند.»

«قیام تبریز مدلل خواهد داشت که در ایران یک افکار عمومی و یک اراده ملی نیز وجود دارد.»

میرزا کوچکخان جنگلی که آموزش‌های خود را از اسلام داشته است و در راه آرمان خود بشهادت رسیده است در نامه‌ای به نفسی می‌نویسد:

«.... تاریخ نشان میدهد که چند بار سیاست دول بیگانه در کشورمان نفوذ کرد اما همین که خواسته احساسات ملی و آزادمنشی ایرانی را منکوب کنند مساعی‌شان عقیم ماند (وقتیکه مارکیستها تاریخ می‌نویستند من و در جای دیگر میگوید: «من و بارانم در مشق‌های فوق

نداشته و نداریم جز حفظ ایران از تعریض خارجی و فساد

خائینی داخلی، تأمین آزادی رنجبران ستمدیده مملکت و استقلال حکومت ملی (نامه به روتیشن- همانجا ص ۲۸)

برای کورده‌لانی که میخواهند با تفکیک «مسئله ملی» از

«حکومت اسلامی» تفرقه و جدائی میان ملت یک پارچه

بوجود آورند، می‌توان نمونه‌های فراوانی از گفتگوهای روحانیت میارز و بیش ایران نقل کرد و

نشان داد، آنانکه در دفاع از اسلام به «شهادت» رسیدند، ایران را چنین شاختند، واقعیت را شناخت با شناخت کسانی که اسلام را در «ریاست»

شناخته‌اند بسیار فرق دارند.

کسانیکه بنام «روحانیت»

تفرقاندازی می‌کنند، پسندیده است آخرین گفته امام خمینی را بشنوند که فرمود:

«اگر شما خدای ناخواسته کارهای انجام بدید که از چشم ملت بیفتد و لو در درازمدت آنروز است که هیگر فانتوم لازم

می‌شود که ممتازترین رنگ ملت گرایی خواهشمند لفظ عجم را از قاموس زبان خودتان خارج کنید و بجای آن کلمه ایرانی را انتخاب فرمائید» (همان کتاب ص ۱۴۲) همین مرد بزرگوار زمانی که با سلطان محمد خامس به گفتگو می‌شیند بیان میکند:

«مسکوند از مهاجرت ما ایرانیان به این کشور اینست که اولاً دولت عثمانی صحبت الحق قسمتی از خاک آذری‌ایران را بخاک عثمانی موقوف نماید تا ثانیا در موضوع صمیمیت بین برادران مسلمان ایرانی و ترک مذاکراتی بعمل آوریم» (همان کتاب ص ۱۴۱)

مدرس بگوئه یک مجتهد آگاه و موجه در دفاع از اصل استقلال و تمامیت ارضی همه متاجوزان را در یک خط قرار میدهد:»

«هر کس تمایل به سیاستی نماید ما یعنی ملت ایران با او موافقت نخواهیم نمود چه رنگ شمال چه رنگ جنوب، چه رنگ آخردنیا» (سید حسن مدرس تالیف ابراهیم خواجه نوری ص ۱۲ در دنیال همان نطق معروف (۱) جزوی از ۱۳۰۲) روشن تر باده اور می‌شود:

«منشاء سیاست ما دیانت مادامی که مفترض ماند شاهد این هر کس متعرض ما بشود متعرض او خواهیم شد. همین مذاکره را با مرحوم صدر اعظم شهید عثمانی کردم. گفتم اگر کسی بدون اجازه ما وارد سرحد ایران شود و قدرت داشته باشیم اورا با تیر می‌زنیم خواه کلاهی باشد، خواه شابویس داشته باشد، بعد که گلوله خورد و زمین خورد، دست می‌کنیم بینیم خته کرده بودت یا نه؟ اگر خته کرده بود براو نماز می‌خوانیم و اگر خته نکرده بود او را دفن می‌کنند.

چنانچه مرحوم سید حسن مدرس در بخش یکم حاکمیت ملت (و مبارزه با استبداد) می‌گوید: «درینه با استبداد می‌گوید:....

تازمان ما، یعنی انقلاب ایران رسید، یعنی ملت بیدار شد، طرز حکومت از حکومت یک نفری و فردی به حکومت ملی و تمام ملت مبدل و مسمی با اسم دولت مشروطه شد» (نطق ۲۱ جزوی ۱۳۰۲ در مجلس- مدرس قهрمان آزادی تالیف حسین مکی ص ۲۰۶) و در بخش دوم (دفاع از استقلال وطن- استقلال- وطن- استقلال) از این دوره

با محظوی از پیشتری پیدا میکند.

چنانچه مرحوم سید حسن مدرس در بخش یکم حاکمیت ملت (و مبارزه با استبداد) می‌گوید:....

تازمان ما، یعنی انقلاب ایران رسید، یعنی ملت بیدار شد، طرز

حکومت از حکومت یک نفری و فردی به حکومت ملی و تمام

ملت مبدل و مسمی با اسم دولت مشروطه شد» (نطق ۲۱ جزوی ۱۳۰۲ در مجلس- مدرس

قهرمان آزادی تالیف حسین مکی ص ۲۰۶) و در بخش دوم (دفاع از استقلال وطن- استقلال- وطن- استقلال) از این دوره

با محظوی از پیشتری پیدا میکند.

چنانچه مرحوم سید حسن مدرس در بخش یکم حاکمیت ملت (و مبارزه با استبداد) می‌گوید:....

تازمان ما، یعنی انقلاب ایران رسید، یعنی ملت بیدار شد، طرز

حکومت از حکومت یک نفری و فردی به حکومت ملی و تمام

ملت مبدل و مسمی با اسم دولت مشروطه شد» (نطق ۲۱ جزوی ۱۳۰۲ در مجلس- مدرس

قهرمان آزادی تالیف حسین مکی ص ۲۰۶) و در بخش دوم (دفاع از استقلال وطن- استقلال- وطن- استقلال) از این دوره

با محظوی از پیشتری پیدا میکند.

چنانچه مرحوم سید حسن مدرس در بخش یکم حاکمیت ملت (و مبارزه با استبداد) می‌گوید:....

تازمان ما، یعنی انقلاب ایران رسید، یعنی ملت بیدار شد، طرز

حکومت از حکومت یک نفری و فردی به حکومت ملی و تمام

ملت مبدل و مسمی با اسم دولت مشروطه شد» (نطق ۲۱ جزوی ۱۳۰۲ در مجلس- مدرس

قهرمان آزادی تالیف حسین مکی ص ۲۰۶) و در بخش دوم (دفاع از استقلال وطن- استقلال- وطن- استقلال) از این دوره

با محظوی از پیشتری پیدا میکند.

چنانچه مرحوم سید حسن مدرس در بخش یکم حاکمیت ملت (و مبارزه با استبداد) می‌گوید:....

تازمان ما، یعنی انقلاب ایران رسید، یعنی ملت بیدار شد، طرز

حکومت از حکومت یک نفری و فردی به حکومت ملی و تمام

ملت مبدل و مسمی با اسم دولت مشروطه شد» (نطق ۲۱ جزوی ۱۳۰۲ در مجلس- مدرس

قهرمان آزادی تالیف حسین مکی ص ۲۰۶) و در بخش دوم (دفاع از استقلال وطن- استقلال- وطن- استقلال) از این دوره

با محظوی از پیشتری پیدا میکند.

چنانچه مرحوم سید حسن مدرس در بخش یکم حاکمیت ملت (و مبارزه با استبداد) می‌گوید:....

تازمان ما، یعنی انقلاب ایران رسید، یعنی ملت بیدار شد، طرز

حکومت از حکومت یک نفری و فردی به حکومت ملی و تمام

ملت مبدل و مسمی با اسم دولت مشروطه شد» (نطق ۲۱ جزوی ۱۳۰۲ در مجلس- مدرس

قهرمان آزادی تالیف حسین مکی ص ۲۰۶) و در بخش دوم (دفاع از استقلال وطن- استقلال- وطن- استقلال) از این دوره

با محظوی از پیشتری پیدا میکند.

چنانچه مرحوم سید حسن مدرس در بخش یکم حاکمیت ملت (و مبارزه با استبداد) می‌گوید:....

تازمان ما، یعنی انقلاب ایران رسید، یعنی ملت بیدار شد، طرز

حکومت از حکومت یک نفری و فردی به حکومت ملی و تمام

ملت مبدل و مسمی با اسم دولت مشروطه شد» (نطق ۲۱ جزوی ۱۳۰۲ در مجلس- مدرس

قهرمان آزادی تالیف حسین مکی ص ۲۰۶) و در بخش دوم (دفاع از استقلال وطن- استقلال- وطن- استقلال) از این دوره

با محظوی از پیشتری پیدا میکند.

چنانچه مرحوم سید حسن مدرس در بخش یکم حاکمیت ملت (و مبارزه با استبداد) می‌گوید:....

تازمان ما، یعنی انقلاب ایران رسید، یعنی ملت بیدار شد، طرز

حکومت از حکومت یک نفری و فردی به حکومت ملی و تمام

ملت مبدل و مسمی با اسم دولت مشروطه شد» (نطق ۲۱ جزوی ۱۳۰۲ در مجلس- مدرس

قهرمان آزادی تالیف حسین مکی ص ۲۰۶) و در بخش دوم (دفاع از استقلال وطن- استقلال- وطن- استقلال) از این دوره

با محظوی از پیشتری پیدا میکند.

چنانچه مرحوم سید حسن مدرس در بخش یکم حاکمیت ملت (و مبارزه با استبداد) می‌گوید:....

تازمان ما، یعنی انقلاب ایران رسید، یعنی ملت بیدار شد، طرز

حکومت از حکومت یک نفری و فردی به حکومت ملی و تمام

ملت مبدل و مسمی با اسم دولت مشروطه شد» (نطق ۲۱ جزوی ۱۳۰۲ در مجلس- مدرس

قهرمان آزادی تالیف حسین مکی ص ۲۰۶) و در بخش دوم (دفاع از استقلال وطن- استقلال- وطن- استقلال) از این دوره

با محظوی از پیشتری پیدا میکند.

چنانچه مرحوم سید حسن مدرس در بخش یکم حاکمیت ملت (و مبارزه با استبداد) می‌گوید:....

تازمان ما، یعنی انقلاب ایران رسید، یعنی ملت بیدار شد، طرز

حکومت از حکومت یک نفری و فردی به حکومت ملی و تمام

ملت مبدل و مسمی با اسم دولت مشروطه شد» (نطق ۲۱ جزوی ۱۳۰۲ در مجلس- مدرس

قهرمان آزادی تالیف حسین مکی ص ۲۰۶) و در بخش دوم (دفاع از استقلال وطن- استقلال- وطن- استقلال) از این دوره

با محظوی از پیشتری پیدا میکند.

چنانچه مرحوم سید حسن مدرس در بخش یکم حاکمیت ملت (و مبارزه با استبداد) می‌گوید:....

تازمان ما، یعنی انقلاب ایران رسید، یعنی ملت بیدار شد، طرز

حکومت از حکومت یک نفری و فردی به حکومت ملی و تمام

ملت مبدل و مسمی با اسم دولت مشروطه شد» (نطق ۲۱ جزوی ۱۳۰۲ در مجلس- مدرس

قهرمان آزادی تالیف حسین مکی ص ۲۰۶) و در بخش دوم (دفاع از استقلال وطن- استقلال- وطن- استقلال) از این دوره

با محظوی از پیشتری پیدا میکند.

چنانچه مرحوم سید حسن مدرس در بخش یکم حاکمیت ملت (و مبارزه با استبداد) می‌گوید:....

تازمان ما، یعنی انقلاب ایران رسید، یعنی ملت بیدار شد، طرز

حکومت از حکومت یک نفری و فردی به حکومت ملی و تمام

ملت مبدل و مسمی با اسم دولت مشروطه شد» (نطق ۲۱ جزوی ۱۳۰۲ در مجلس- مدرس

آدمان ملت

ارگان حرب ملت ایران

داشتمان که دیگو ه عمل شده و این تو حساس نحنی تر آن جایزه آمده است موضع فقط برای داخلی و بیوهای امین آن دور نمی رسد بلکه حلاقی نصیحتهای حکومت بر سه میان می آید.

گفتگو با کارگران

کارخانهای ریسندگی با نایابد گان ایشان پیش از گرفتن چنان نصیحتی به استواری پیوی ملی باری می دهد و کارگران را به کار و تولید دلگرم می ساردد حالی که بی توجه مانند به نظر کارگران و تولید کنندگان در آنان افسردگی و ملال پدید می آورد که سرایحان به کاهش باردهی کار آنها می احمد، که سخت نارواست.

ما با قاطعیتی خواهیم که نامه شوراهای اسلامی کارخانهای داده شود وار پاسخ آن هم همگان را آگاه ساردد و بیشتر ساقطعت می خواهیم که ملی شدن بارگانی حارحی سارع احراe شود و بیشتر تضمیمه سر وارد کردن کالا، پس از سرسی و شناخت دقیق همه طرفیت تولید داخلی صورت گیرد.

تب وتاب فرو می روید.

نایابد نامه شوراهای اسلامی کارخانهای ریسندگی به دقت مورد رسیدگی قرار گرد و نایابی که به ایشان داده می شود آنچه ایشان عووان کرده اند بکار راههای همگان سرسد، ریزا مسئله حصوصی و پایا یک حواسه شخصی بیست آنچه در نامه شوراهای اسلامی کارخانهای ریسندگی آمده است، یک مسئله عظیم اقتصادی و احلاقی ملی است.

شوراهای اسلامی کارخانهای ریسندگی اعلام داشته اند که در این باره با ایشان هیچ گفتگوی نشده است و نادرستی کار هم از ایجا آغاز می شود. پیش از اخذ تصمیم بر وارد کردن نخ (یا هر کالای دیگر) می باید به طور قطع و یقین توانائی تولید ملی سنجیده و دانسته شود، و توانائی کارگران آن رشته بر رفع نیازهای ملی مشخص گردد، و در صورتی که ایشان قادر به رفع نیاز داخلی نباشد، آنگاه به وارد کردن کالا از خارج وارد شود، نه فقط مشابه از خارج وارد شود، بلکه این ضریب بزرگ بربیکر اقتصاد کشور وارد می گردد بلکه از نظر اخلاقی و فرهنگی هم کشور در

هشدارهای سیدار کیسه بزرگ روم افریش نویند سیستم.

اگر قرار ناشد سایدید امدن هری کار شاعلی در بزار مصرف، کالاهای حارحی سگشایی تردید می باید بی درنگ قطع شود.

تولید کارخانهای داخلی را با دشواری روبرو می کند. یعنی به سیاست «دروازه های بار» برگشت کیمی و یقین داریم که کاربستان نظام بارگانی کشور بر اثرهای ریسندگی آمده است، یک مسئله اقتصادی و احلاقی ملی است.

نادرستی این سیاست نیست.

کارخانهای ریسندگی ما احارة نمی دهد که همه طرفیت خود را در تولید به کار آندراند یا به عبارت دیگر بر طرفیت تولید داخلی اثر منفی می گذارد. درنتیجه وارد کردن این کالا کشور است.

بنابراین به هنگام وارد کردن کالا از خارج می باید اثر آن در سطح اشتغال به دقت سنجیده ریسندگی را از این احساس نیاز بر کدام از کشورهای جهان به لحاظ استیازهای طبیعی با هر کدام از خارجی های اقتصادی خود می توانند یک یا چند کالا را بازهای اقتصادی صادر کردن اجازه داده است و دوم آنکه وزارت بازگانی به هنگام صادر کردن اجراءهایی از اینگونه، اثراهای ضمیمی و جانبی آن را هم در نظر می گیرد یا نه، و سوم آنکه وزارت بازگانی آیا به طور تقریبی از میزان تولید و مصرف کالاهای اساسی کشور آگاهی دارد یا نه.

وزارت بارگانی وظیفه دارد که اصل ملی شدن سازگاری خارجی را جدی رشته صنعتی، زمینه ها و وسیله های لازم برای اجراء شدن آن را فراهم آورد. بازگانی خارجی یکی از اصلی ترین گذرگاههای حیات اقتصادی است و از این گذرگاه میتوان صنایع داخلی را در تنگنا قرار داد و یا راههای تازه بیشتر فراخواست. بازگانی خارجی در آشفته کردن نظام مصرف یا بسaman داشتن آن نیز نقش بسیار مؤثری دارد.

بازگانی خارجی آنها یک عامل اقتصادی نیست. بازگانی خارجی در پدید آوردن ذوق و سلیقه سالم یا انحرافی در عالم محدود و غنی و بارها بیش از ارزشها و توانائی های فرهنگی ملی نیز اثری بسیار دارد.

وارد کردن نخ، موضوع گفتگو نیست، بلکه طرح مسئله از جانب کارگران این رشته صنعتی، می توان از کارگاههای دستی بازدید کرد و دیگر آنرا راه انداری و افزایش تولید کشور در کوران یا کارگاهی هست که قادر به تولید نخ باشد ولی به دلیلی از کار بازمانده است، و به جای وارد کردن نخ به تجهیز و راهنمایی و کارخانه ای از جانب پرداخت. نیز در این رشته صنعتی، می توان از کارگاههای دستی بازدید کرد و آنرا راه انداری و افزایش تولید کشور در جهان و هرگاه برای راه افتادن چرخ کارگاهها و کارخانهها، به فراهم آمدن ایزار یاسوس مایه یاماده اولیه ای نیاز است به فراهم آوردن آن پرداخت. و گرن، با احساس کمترین نیاز، بازار داخلی را به روی کالاهای خارجی گشودن، نتیجه جا جز ویرانی تولید در بر از توانند داشت.

شیوه عمل انقلابی نیز به طور دقیق با آنچه بیان شد تطبیق می کند، و معنای روش درست کاربرد انقلاب در نظام اداری کشور هم همین است.

انقلاب می باید به سریعت چرخانیدن چرخهای کارگان و کارگاهها و نوشهایها میگردد.

بازگانی خارجی کشور از چنان اهمیت و تأثیری بر خود دارد است که نمی توان جریان یافتن آن را به ذوق و نظر یا برداشتهای کاربستان سپرد.

هر گز نباید تونید داخلی را به لحاظ وارد کردن کالا از خارجی به بازگانی کشور می باید از چنان اهمیت و تأثیری بر خود دارد و رعایت مصلحت های عمومی آن را به ذوق و نظر یا برداشتهای کشور گمارده شود.

آن شیوه بازگانی خارجی که خرسندی مصرف کننده را در پیرانی تولید داخلی جستجو می کند، به رأسی شیوه نظر قدرتهای استعماری است.

خرسندی داشتن مصرف کننده

آن را بیان می کند و همه این رشته های تولیدی و عمرانی پرداخته اند!! و چنانه می باید این آمارها را در اختیار مردم می گذارند تا بدانند چه کارهایی انجام شده از این گروه بیکار چند هزار نفری در تهران برای تنازع بقاء بگوشه خیابانها پنهان برده اند به دکمه ای اند و چه خوب بود که این آمارها را در این قدره سیستم کشانی هستند که بیار ریدگی آنها را نگوشه حیالی ها کشانیده است.

این عده را پس از کشناور و مصروف کردن سورا از کار و امور اجتماعی فرستاده اند تا درد آهارا درمان نمایند!! شاید شهرداری نمیدانسته است که این عده پس از نامید شدن از کار پایهای این و راحته و نیافت اشتغال به ایجاد چیز دکمه هایی دست رد هاد و سرای تیار سقاء بدست فروشی توسل حسته اند.

پاکسازی سطح شهر و حل گیری از سد معبر سیار ضروری است ولی بحث مشکل این حوالان را باید حل کدو به آن کار داده اند که اینکه سایر بوع رفتار دشواری اجتماعی دیگری بوجود آورد و سپاه ای اصلیان را رور گسترد تر کرد.

اگهی تاسیس

شرکت تعمیرگر سرویس ب مستولیت محمود که در تاریخ ۵۹/۲/۲۷ شماره ۳۷۶۳۳ در این ادره شت رسیده و حلاصه شرکت نامه تی شرح رسیده می شود:

- موضع شرکت سرویس و سطاخ و نگهداری ساختهای و مؤسسه و شرکت ها و سازه
- مرکز اصلی شرکت تهران حرم متری دوم پلاک ۴۵
- سرمایه شرکت مسیع بکملیون ریال
- مدیران و دارندگان حق مص افایان: حسین علی سی شیخ سرجین نسبت صفو هیئت مدیره و مدیر عامل و عدل آقاطایی سمعت مسئول تدارکات و کبر پریزی سمعت عصو و مدیر فی مدیر ماده و تدبیر و حق مص مدیر عامل و یکی از عص متفه و نهر شرک مپاشد اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری تهران

۱۰۰۰ تاسیس

آقای صرافعلی سلامیزاده بشناسامه ۳۷۸ سراب پسرخ دادخواست کلاسه ۵۹/۳/۵ این شعبه توضیح داده شادران صدقه ای شرکت سلامیزاده بشناسامه ۲۵۹ در تاریخ ۱۳۵۶/۱۱/۱ در گذشته وراث حسین گفت آن مجموع عبارت دارد

۱- مقاضی را مشخصات حقوقی دارند که با گلوله گردیده اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

کشته ای این مجموع از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۲- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۳- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۴- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۵- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۶- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۷- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۸- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۹- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۱۰- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۱۱- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۱۲- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۱۳- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۱۴- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۱۵- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۱۶- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۱۷- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۱۸- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۱۹- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۲۰- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۲۱- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۲۲- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۲۳- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۲۴- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۲۵- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۲۶- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۲۷- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۲۸- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۲۹- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۳۰- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چندین نفر رخمنی گردیده اند.

۳۱- مبلغ مجموعی از این مبالغه ای اند و باید این را در گفتارها و نوشهای دسته ای از داده می شود و بطوریکه اطلاع حاصل شده در تجمع پیچشیه گذشته دو بصر کشته و چند

در یاد کشاورز صدر رهرو راستین راه مصدق

سید محمد علی کشاورز صدر، یار و فدار مصدق، دولت مود تووانا و آزادیخواه سرخست، نویسنده و پژوهشگر بزرگ به سال ۱۲۸۸ در شهر خمین، چشم به زندگی گشود و پس از گذراندن دوران تحصیل، کار اجتماعی را در خدمت قوه قضائیه آغاز کرد. در دوره‌های پانزدهم و شانزدهم به نمایندگی مردم به مجلس شورای ملی راه یافت او از نخستین کسانی بود که با خاطر مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت به صف مصدق پیوست و این پیوند تا پایان زندگی خط سیاسی او را ترسیم کرد و بهای سنگین آثرا با تحمیل زندان و تبعید و ناکامی صمیمانه پرداخت.

در روز ۲۸ مردادماه، سال ۱۳۳۲، در اصفهان که استاندارش بود در برایر کودتاگران به ایستادگی برخاست ولی پس از چند ساعت نیروی اهریمنی این شهر قهرمان را نیز زیر سلطه گرفتند و کشاورز صدر دستگیر شد و به زندان تهران منتقل یافت. پس از آزادی دیگر تا پایان عمر هرگز شغل دولتی نپذیرفت و زندگی را از راه و گالت داد گسترن تامین نمود.

در سال ۱۳۳۹ که حیات سیاسی جبهه ملی تجدید گردید، کشاورز صدر روز و شب در راه گسترش آن کوشید و سرانجام همراه دیگر رهبران به زندان کشیده شد.

صادق و صمیمی و بیریا و به تمام معنا پاکباز بود. به مصدق عاشقانه می‌اندیشید، خطی خوش و قلمی گیرایا داشت، شعر زیبا می‌سرود و از شاعران به سعدی ارادت می‌ورزید.

او در زمینه‌های حقوقی، ادبی، اجتماعی و سیاسی تالیفات بسیاری دارد که می‌توان از عقاب کمانان، از رابعه تا پروین، مکتب سعدی، در قلمرو سعدی، آئین دادرسی مدنی، آئین و رویه دادرسی کیفری، طرق فوق العاده دادواری نام برد.

آخر جاودانی اش، وزیران محبوس و مقتول زیر سانسور «نظام آریامهری» رفت. کشاورز صدر چونان پدری مهربان، یاور زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان بود. در سراسر زندگی او از انحصار طلبی و کجروی و سوت پیمانی نشانی نیست و پیشوای در گذشته ملت درباره او چنین می‌نویسد، «افسوس که مملکت رجال فداکار نظر جنابعلی کم دارد» کشاورز صدر در نیمه شب پیست وینجم تیرماه ۱۳۵۳ بدنبال یک حمله قلبی چشم از جهان فرو بست. دستگاه استبداد حتی از درج خبر مرگ او و برپائی مجلس آمرزش خواهی جلوگیری کرد. یاد آن رهرو راستین راه مصدق، آن آزاده، آن همیشه پدر گرامی باد

گروهها، شوراها و انجمنها مجاز به دخالت مستقیم در امور اداری نیستند

سخنگوی سورای انقلاب طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که برای دوری جستن از هر گونه نابسامانی و از بین رفتن مسئولیتها و جلوگیری از سستی مدیریت، مسئولیت اصلی انجام کارها با مسئول اصلی وزارت خانه یا سازمان دولتی بوده و گروهها و شوراها و انجمنهایی که نسبت به اجرای کارها احساس مسئولیت شرعی و انقلابی مینمایند باید متوجه باشند که مجاز به دخالت مستقیم در امور و مسائل اداری نبوده و تنها از طریق گزارش امور به مدیریت است که میتواند به سالم سازی سازمانهای اداری کمک نمایند.

در پایان این اطلاعیه آمده است که موکدا یادآور میشود که وظیفه هر گونه اقدام و دخالت در امور اجرایی مربوط بر عهده مسئولان واحد اداری است. افسوس که این اطلاعیه یادآور «نوشادروی بعد از مرگ سه راب» است. و اکنون که نظام اداری کشور با دخالت‌های بیجا بکلی درهم ریخته است، نمیتواند سودمند افتد.

همزمان ارجمند موسوی

بالندوه فراوان در گذشت مادر گرامیتان را سلیمان می‌گوید.

دبیرخانه سازمان شهرستان اصفهان حزب ملت ایران

خبرهای حزبی

آمادگی برای شرکت در بحث آزاد عقیدتی

به دنبال صدور اطلاعیه تاریخ ۱۳۵۹/۴/۱۷ معاون سیاسی وزارت کشور دایر بر گردگشتن گردیدن راهنمایی‌های تقاضا شده و دعوت گروههای سیاسی به داشتن «یک سلسله مباحث آزاد عقیدتی و سیاسی» حزب ملت ایران طی نامه‌ای که در زیر درج می‌گردد، آمادگی خود را برای شرکت در برنامه پیشنهادی اعلام داشت ولی تاکنون وزارت کشور ترتیب اجرای آنرا نداده است.

جناب آقای مصطفی میرسلیم

معاون سیاسی وزارت کشور

حزب ملت ایران با وجود آنکه ندادن اجازه راهنمایی و گردگشتن به سازمانهای سیاسی را به دلیل باشد حصر آزادیهای فردی و اجتماعی و خلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می‌داند، چون اعتقاد دارد که باید از هر فرستاده برای اگاه‌سازی مردم از آنها و دیدگاههای گوناگون پیشگیری شود را برای شرکت در هر گونه «بعثت آزاد عقیدتی» اعلام میدارد و هر زمینه‌هایی از این اتفاق خواهد بود. «ترتیب اجرای برنامه پیشنهادی را خواهد داد معرفی مینماید.

۱۳۵۹/۴/۱۹

دبیرخانه حزب ملت ایران

تعطیل دیدارهای همگانی دبیر حزب

طبق اطلاعیه دبیرخانه حزب دیدارهای همگانی همزمان داریوش فروهر که همه هفته روزهای پنجشنبه صورت می‌گرفت به علت فرا رسیدن ماه مبارک رمضان از تاریخ بیستم تیرماه سی «بکم امرداده انجام نخواهد گرفت.

ویژه‌نامه سی تیر

برای گرامیداشت یاد شهیدان قیام ملی سیام تیرماه یکهزار و سیصد و سی و یک، این جانشیاران راه استقلال و آزادی ایران، آرمان ملت به جای شماره ایمنه خود ویژه‌نامه‌ای در روز دوشنبه سیام تیرماه انتشار خواهد داد.

جمعیت شیر و خورشید سرخ، به هلال احمر تغییر نام یافت

سخنگوی جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران (شیر و خورشید سرخ سابق!)، با صدور اطلاعیه‌ای اعلام کرد که سید ابوالحسن بنی صدر طی نامه به مسئولان جمعیت ابلاغ کرد که آرم و نام جمعیت شیر و خورشید سرخ به هلال احمر تغییر پیدا کرد.

برای اطلاع خوانندگان باید گفت که «هلال احمر» نه اسلامی است و نه عربی بلکه باید گاری است از سلطه عنمانیها بر کشورهای اسلامی و حالا چرا آقای رئیس جمهور تن به محو شیر خورشید سرخ (که هم اسلامی است و هم ایرانی و از لحاظ تاریخی هیچگونه ارتباطی هم با شاه و شاهنشاهی ندارد) داده‌اند، باید از خودشان پرسید.

مجازات عاملهای سانحه «پرواز سیاه» خواسته شد.

براساس گزارش روزنامه‌ها عصر روز سه شنبه هفته گذشته بازماندگان سانحه هوایی پرواز سیاه (سانحه لشکرگ) در محل باشگاه هوایی ایرانی ملی ایران واقع در فرودگاه مهرآباد گردیدند.

در این گردهم‌آئی شورای اجرایی بازماندگان، سهل‌انگاری و مسامحه کار بیدستان را درجهت تعیین و شناسایی مسئولان و عاملهای حادثه محکوم کردند و به صراحة اعلام کردند که مسئولان و متصدیان امر با انواع حیله‌ها میخواهند این پرونده سهم و ملی، مانند حادثه سینما رکس آبادان به بوته فراموشی سپرده شود.

بازماندگان در پایان از دادستان کل کشور خواستند تمام کسانی را که نمیخواهند اینها را محاکمه و به اش مجازات برسانند.

از خبرهای هفته

خبرنگاران خارجی زیر نظر وزارت امور خارجه قرار گرفتند

بر اساس لایحه‌ای که به تصویب شورای انقلاب رسیده است ورود و خروج خبرنگاران خارجی با نظارت کامل وزارت امور خارجه موقوت خواهد گرفت. منن لایحه باین شرح است: «ماده واحده ورود و خروج خبرنگاران خارجی به کشور با نظارت کامل وزارت امور خارجه صورت مبیذیرد و مقامات دولتی و یا نهادهای انقلابی حق جلوگیری از ورود یا ممانعت از فعالیت و یا بازداشت خبرنگارانی را که قبل از اجرازه وزارت خارجه را دریافت داشته‌اند، ندارند و مقامات مذکور در هر مورد که با اشکالی مواجه شوند، مراتب را به وزارت امور خارجه نمکش خواهند نمود تا تصمیم لازم از طرف آن وزارت تاخته اتخاذ گردد و بهر تقدیر اتخاذ تصمیم در مورد اخراج یا توقیف خبرنگاران خارجی با وزارت امور خارجه خواهد بود.»

اعلام رسمی «سلسله مراتب» در ارتش

اطلاعیه زیر این هفته از سوی ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران انتشار یافت:

بسم الله الرحمن الرحيم

در اجرای فرمان رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران دایر بر رعایت سلسله مراتب بدین وسیله یکبار دیگر ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران اعلام میدارد.

۱- سلسله مراتب فرماندهی پس از تفویض اختیار از مقام رهبری به ریاست جمهوری عبارتست از :

۲- مقام ریاست جمهوری بعنوان فرمانده کل نیروهای مسلح از طریق ستاد مشترک به فرماندهان نیروهای سه‌گانه و سپس به یگانهای تابعه نیروها و در این سلسله مراتب مقام مسئول یا مراتب را ندارد.

۳- کلیه احکام بازداشت ارتشیان شاغل ابتدا می‌ایستی با امضای دادستان کل انقلاب اسلامی و یا دادگاه انقلاب ویژه ارتش بوده و در صورتیکه مقامات مسئول و یا غیرمسئول دیگری وجود نداشتم حق دخالت در این سلسله مراتب را ندارد.

۴- پادگانها اقدام به احضار پرسنل ارتشی شاغل بنمایند.

۵- فرماندهان و مسئولان ارتشی مکلف به رعایت موارد بالا بوده و در صورتیکه مقامات مسئول و یا غیرمسئول برخلاف موارد بالا اقدام نمایند اجرا ننموده و موارد را از طریق سلسله مراتب به ستاد مشترک اعلام تا به آگاهی فرماندهی کل نیروهای مسلح برسد.

- باید پرسید که آیا اقدام اخیر استاندار خوزستان که فرماندهان لشکر و پایگاه نیروی دریایی و پایگاه نیروی هوایی و چندین دیگر از فرماندهان ارتش را از سمت‌های خود برکار و بازداشت کرده و بجای آنها افرادی از سیاه پاسداران را منسوب کرده است، در رابطه با اجرای این اطلاعیه بوده یا عملی است خودسرانه و در جهت تضعیف ارتش؟

تیمسار باقری بوسیله انجمن اسلامی نیروی هوایی بازداشت شده بود

حجت‌الاسلام فضل‌الله محلاتی، نماینده امام خمینی در سپاه پاسداران در گفتگویی با خبرگزاری پارس در جواب این سوال که گفته میشود در دستگیری آقای بازداشت از افراد سپاه شرکت داشته‌اند. گفت: من هنوز این مسئله را برسی نکرده‌ام ولی طوری که به من اطلاع دادند، ایشان را سپاه دستگیر نکرده و بعضی از افراد انجمن اسلامی نیروی هوایی این برنامه را انجام دادند.

هیچ کار خانه‌ای نداریم که متوقف باشد!

مهندس مسعود هسته‌ای «معاون وزارت صنایع و معادن و گفت:

«میزان تولید در صنایع ایران بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافته و هم‌اکنون کارخانه یا یک واحد صنعتی در سطح کشور وجود ندارد که متوقف باشد و صنعت در ایران بسوی یک صنعت سالم در حرکت است.!!